



ویژه نامه شماره ۵



ترانس

و اقسام مختلف آن

سال اول . شماره ۹ . شهریور ماه ۱۳۸۴

ترانس و اقسام مختلف آن

ویژه نامه شماره ۴ ماها - مجله الکترونیکی همجنسگرایان ایران
سال اول - شماره ۸ - مرداد ماه ۱۳۸۴

فهرست مطالب:

۲ مقدمه
۳ انواع ترانس ها
۳ ترانس سکشوال ها
۷ ترانس وستایت ها
۹ ترانس کینگ/کوبین
۱۱ دو اصطلاح رایج
۱۱Ladyboy
۱۱Shemale

مقدمه

در کشور ما که از آزادی گفتار و نوشتار خبری نیست، نمی توان توقع داشت که جامعه آنچنان که باید و شاید با مفاهیم و اصطلاحات علمی و امروزی آشنایی داشته باشد. به علاوه، ضعف زبان فارسی (نبود اصطلاحات معادل و محدود بودن منابع) و کمبود تحقیقات و پژوهش ها در این زمینه ها باعث می شود که گاهی اصطلاحات و واژه هایی نامفهوم، نارسا و متناقض مورد استفاده قرار گیرند. وقتی فرد نتواند آنطور که طبیعتش هست خود را نشان دهد، موعظه های اخلاقی رنگ می بازند و در عوض دروغ، ریا و ظاهرسازی رواج می یابد. با اینهمه، نبود آزادی گفتار به این معنا نیست که انسان هایی که دارای خوی و خصلت و تمایلاتی « ناشناخته » هستند در کشور ما وجود خارجی ندارند. نه، این افراد هستند و در میان ما زندگی می کنند، گیریم که آنها را با نامهای عجیب و غریب و صفت‌های زشت معرفی کنیم. اما این صفت‌های زشت و نادرست قبل از هر چیزی بیسوادی و ناآگاهی خود ما را می رساند تا شایسته دیگران باشد. انواع اسامی و صفت‌های ناجور در مورد همجنسگرایان، برداشت های القایی درباره سکس لزبین ها و... ترانس سکشوال ها و ترانس وستایت ها هم که دیگر جای خود دارند.

ما جهت روشنگری و برای کمک به خود و خوانندگان تصمیم گرفته ایم که این ویژه نامه را به موضوع اقلیت جنسی ترانس ها و انواع آنها اختصاص دهیم و امیدواریم که تک تک خوانندگان به سهم خود در اصلاح زبان و دید جامعه به ترانس ها در حد خود کمک کنند و با راه اندازی بحث های منطقی و همچنین استفاده از گفتار و نوشتارها در روشن شدن مسائل کمک کنند. ما معتقدیم که اصطلاح دوجنسی که در مورد ترانس ها در جامعه رایج است یک اصطلاح ناقص، مبهم و گنگ می باشد و بهتر است که دست اندرکاران و مؤسسه های زبان شناسی ما به این مهم توجه لازم بکنند. تا آن زمان ما ناچاراً اصطلاحات و واژه های خارجی را مورد استفاده قرار خواهیم داد.

انواع ترانس

کلا سه نوع ترانس داریم. اول: ترانس سکشوال ها (Transsexual)، دوم ترانس وستایت ها (Transvestite) و سوم کسانی که گاهی برای تفریح و شوخی و یا در شوها و جشن ها، لباس جنس مخالف می پوشند و خود را به شکل ترانس کینگ یا ترانس کوئین (Trans King/Queen) -شاه/ ملکه ترانس- در می آورند. این سه دسته از نظر گرایش جنسی، تمایلات و خواسته هایی که دارند کاملا با هم متفاوت می باشند، پس جداگانه به بررسی هر کدام می پردازیم. قابل ذکر است که کلمه «ترانس جندر» (Transgender) عموماً برای همه اینها بکار می رود؛ به عبارتی کلمه ترانس جندر به عنوان اصطلاحی برای اشاره به همه گروه ها و افرادی که در چارچوب تعاریف عمومی جامعه درباره نقش جنسی و هنجارهای جنسی حاکم نمی گنجد بکار می رود و اغلب هم در مباحث اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد. گروه های فعال حقوق بشری و همجنسگرایان و ترانس ها، واژه ترانس جندر را به عنوان یک چتر عمومی برای همه گروه های مهجور جنسی در جامعه و برای تاکید بر نزدیکی و همکاری و پشتیبانی این گروه های مختلف از یکدیگر در مقابله با جو و فرهنگ حاکم بکار می برند.

ترانس سکشوال ها

هویت هر انسانی از چندین بخش تشکیل شده است؛ هویت اجتماعی، هویت قومی، ملی، سیاسی و... هویت جنسی هم بخشی از هویت فرد است. مرکز اصلی بدن که تعریف انسان از هویت خود -از جمله هویت جنسی- را بر عهده دارد در مغز واقع شده است. ترانس سکشوال فردی است که تناسب معادله بین آلت تناسلی و جنسیت خود را قبول ندارد و تضادی بین این دو می بیند. به زبان ساده تر، آن بخش از مغز انسان ترانس سکشوال که به هویت جنسی مربوط می شود و آن را تبیین می کند، در تضادی کامل با ساختمان فیزیکی بدن و شکل و شمایل آلت جنسی او قرار دارد. این تضاد اینگونه نیست که فرد خودش تصمیم بگیرد -یا فکر کند-

که ترانس سکشوال است و از جنبه روانی، خیلی عمیق تر از اینهاست. به عبارت دیگر یک ترانس سکشوال از جهت نگاه به خود و به هویت و جنسیت خود، بر این باور است که فیزیک او (بدن، تن و آلت تناسلی) با درونش (روح و جان و روان او) همخوانی ندارد. یک «ترانس سکشوال با ظاهر مردانه» بر این باور است که او وجودا، روحا و باطنا یک زن است، اما «اشتباهی» در بدن مردانه زاده شده و یک «ترانس سکشوال با ظاهر زنانه» هم فکر می کند که او روحا و باطنا یک مرد است که اشتباها در یک جسم زنانه گنجانده شده است. فرد ترانس سکشوال از این دوگانگی درون و بیرون خود رنج می برد و می خواهد هر چه زودتر روان خود را از این جسمی که به وی تعلق ندارد نجات دهد، پس با خوردن داروها و قرص های هورمونی سعی می کند جسم خود را به شکلی تغییر دهد که هر چه بیشتر با درونش همخوانی داشته باشد، اما او زمانی به آزادی و رهایی کامل می رسد که با عمل جراحی تغییر جنسیت بدهد و خود را از شر آلت تناسلی ای که با آن احساس بیگانگی می کند رهایی بخشد، چراکه تفاوت بین آلت جنسی فرد و جنسیت و هویت جنسی او به یک تضاد عمیق ذهنی تبدیل می شود که از جهت روحی و روانی عواقب ناگواری بر او دارد، لذا او می خواهد هر چه زودتر خود را از این گرفتاری و مخمصه نجات دهد.

چنین فردی معمولا از همان سنین کودکی (پنج تا ده سالگی) متوجه اختلاف و تضاد گفته شده می شود، اما به صورتی گنگ و نامفهوم. و شاید در همان سنین کودکی، صادقانه و بر اساس شناخت و درک خودش حرکات و اداها و رفتارهای آن جنسی را در پیش بگیرد که از نظر ذهن و روان خود را تعریف می کند، (نه آنطور که ساختمان ظاهری بدنش نشان می دهد)، اما والدین یا اطرافیان آن را نامناسب و حتی عجیب می بینند، مثلا اگر این کودک از نظر شکل آلت تناسلی پسر باشد، به پوشیدن لباس دخترانه رو می آورد (اگر خواهر نداشته باشد به لباس مادر رو می آورد) و البته گاهی بعضی خانواده ها هم با یک شوخی از کنار آن می گذرند که «بچه» است و نمی فهمد. البته این را همین جا باید اضافه کنیم که بر خلاف تصور رایج، هر کودکی که در سنین اولیه لباس جنس مخالف می پوشد حتما یک ترانس سکشوال یا همجنسگرا نخواهند شد.

نکته ی قابل ذکر دیگر این است که یک ترانس سکشوال، همجنسگرا نیست. به این دلیل که فرضا یک پسر/مرد ترانس سکشوال چون روحا و جانا و طبیعتا خود را یک زن می داند و بدن پسرانه/مردانه خود را به رسمیت نمی شناسد، تمایل جنسی به یک مرد را هم دال بر همجنسگرا بودن خود نمی داند، بلکه بالعکس؛ می گوید من زنی هستم که به جنس مخالف خودم (مرد) گرایش دارم، هرچند که روح و جانم در یک بدن اشتباهی گرفتار آمده باشد. آنچه یک ترانس سکشوال می خواهد این است که تناسب فیزیکی بدن و آلت تناسلی خودش با روان و احساس و جان درونش یکی شود و بعد از عمل جراحی، می خواهد با یک نفر از جنس مخالف ازدواج نماید. یعنی اگر دختر ترانس سکشوال بوده بعد از تغییر جنسیت و مرد شدن با یک زن ازدواج می کند و یک پسر ترانس سکشوال بالعکس.

تضادی که فرد ترانس سکشوال از همان دوران کودکی مابین ماهیت درونی و بیرونی (ظاهر و باطن) خود حس می کند، درد و رنج، تنهایی و انزوا، و فشار زیادی به او تحمیل می کند، و او گیج و

مگ از این قائله، نه تنها نمی داند چرا باید وضع اینگونه باشد، بلکه ناآگاهی اطرافیان، شماتت، تحقیر، سرزنش و سرکوفت های خانواده و اطرافیان هم مزید بر علت می شود و بر رنج او می افزاید، و متأسفانه همین مشکلات در نهایت بسیاری از ترانس سکشوال ها را در همان سنین جوانی به سمت خودکشی می کشاند، چرا که قادر نیست یک بار برای همیشه به این تضاد و تناقض ظاهری و باطنی خود پایان دهد.

دلایلی که برای ترانس سکشوال شدن افراد ابراز شده، همگی دلالت بر این دارند که در هنگامی که جنین در رحم مادر است، اگر مادر دچار فشار و استرس شود این امکان وجود دارد که سیستم اعصاب و هورمون های جنین را دچار اختلال کند، و همین باعث می گردد که جنین بعداً ترانس سکشوال شود. همچنین گفته می شود که در دوران جنین و ناملايمات درون جامعه (و بلافاصله بعد از آن) درصد ترانس سکشوال ها در اجتماع بیشتر می شود. در مورد درصد دقیق افراد ترانس سکشوال در جوامع مختلف آماری وجود ندارد، اما ادعا می شود که از هر سی هزار نفر حداقل یک نفر ترانس سکشوال است. پدیده ترانس سکشوالی در بین زنان و مردان به یکسان دیده می شود و بر خلاف تصور خیلی ها، این پدیده مختص مردان نیست. پدیده ترانس سکشوالی تنها در بین انسان ها دیده نمی شود، بلکه محققان به مواردی از این پدیده در بین میمون ها، گربه ها و سگ ها هم برخورد کرده اند.

راه حل یک ترانس سکشوال برای خلاص شدن از زندانی که بدان گرفتار آمده این است که تغییر جنسیت دهد. این امر باعث می شود فرد خود را باز یابد و با باطن و ظاهری متناسب با هم زندگی کند. این ادعای محققان هم ناگفته نماند که ترانس سکشوال ها از استعداد هنری بسیار بالایی برخوردارند.

ترانس سکشوال ها عموماً دیرتر از همسن و سالان خود به رشد فیزیکی می رسند، مثلاً ممکن است کلفت شدن صدا یا رشد موی بدن یک پسر ترانس سکشوال دیرتر بروز کند. ترانس سکشوال ها هر چند که در ابتدا بنا بر علل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی، سعی بر پنهان کاری و مخفی نگه داشتن راز خود می کنند، اما بعدها به ناچار به انتخاب بین مرگ و زندگی می رسند، چرا که توان تحمل روانی این تناقض و زندگی دوگانه را ندارند. اگر به زندگی خود خاتمه ندهند، بسیاری از آنها در مسیر تغییر جنسیت خود از خانواده رانده می شوند، دوستان و نزدیکان از آنها فاصله می گیرند، با برخوردهای تند، بد، ناموجه و غیر منطقی بسیاری از پزشکان و روانشناسان مواجه می شوند، کسی آنها را باور نمی کند، خیلی از آنها هزینه مالی برای خرید و تهیه داروها و قرص های هورمونی ندارند، هزینه عمل جراحی تغییر جنسیت بالاست و... به این مشکلات، احساس ناامنی، تنهایی، کمبود اعتماد به نفس و بی اطمینانی به کار خود و... را هم اضافه کنید. بی جهت نیست که می گویند به جزء خود ترانس سکشوال ها، امکان ندارد دیگران بفهمند که آنها چه دردی می کشند و در چه جهنمی زندگی می گذرانند. بعضی از آنها هم برای تهیه هزینه قرص ها و داروها به خودفروشی یا کارهایی از این نمونه رو می آورند.

حال که به اینجا رسیدیم، بد نیست به تاریخ ترانس سکشوالی هم نگاهی بیندازیم.

ترانس سکشوال ها در طول تاریخ وجود داشته اند. در جوامع اولیه، مردم بر این اعتقاد بودند که ترانس سکشوال ها از قدرت سحر و جادو و یا رابطه با خدایان برخوردارند و انسان هایی مهربان، خوش خو و روحانی مآب هستند.

در افسانه های روم قدیم آمده که افرادی مذهبی/روحانی (Gallae) وجود داشته اند که با هم و به صورت مشترک زندگی می کرده اند. آنها یک بار تصمیم می گیرند در مراسمی مذهبی/جنسی به خیابان آمده و آلت مردانه خود را به خانه هایی که درهایشان باز بوده پرتاب کنند تا از آن خلاص شوند. صاحبان خانه ها هم آن را به عنوان یک نعمت الهی پذیرا می شوند و در مقابل لباس های زنانه به آنها می بخشند و این افراد با پوشیدن لباس زنانه، هویت زنانه به خود می گرفتند. در اقوام بومی استرالیا، ترانس ها هنوز به عنوان افرادی با نیرو و قدرت ویژه شناخته می شوند. در کشور کنیا ترانس سکشوال ها را پوکتوس و در ماداگاسکار سکراتا می نامند. این اسامی جدید نیستند، بلکه در طول تاریخ، و نسل اندر نسل وجود داشته اند. در هند امروز، ترانس سکشوال ها به «هیجی رایس» معروف اند و به عنوان افرادی مذهبی که عمل تغییر جنسیت ساده ای را بر آلت خود انجام می دهند شناخته می شوند و از آنها در مراسم عروسی و جشن ها برای انجام رقص و سرگرمی دعوت می شود. اما از نظر تقسیم بندی، کاست ها در هند جزء پائین ترین رده اجتماعی به حساب می آیند. در کشور عمان، این افراد علنا در خیابان و کوچه بازار دیده می شوند هر چند که رفتار و برخورد محترمانه ای با آنها صورت نمی گیرد و خیلی ها به غلط آنها را «کونی» می نامند. در جنوب کشور خودمان، از فاصله بین جنوب بوشهر تا بندرعباس که محل سکونت هموطنان عرب و سنی مذهب خودمان است، ترانس سکشوال ها حضور کاملی داشته اند و تا همین امروز هم می توان به مردان ترانس سکشوال برخورد کرد که علنا لباس زنانه می پوشند، خود را زن معرفی می کنند و در مراسم عروسی ها برای رقص از آنها دعوت می شود و حتی در مراسم مذهبی یا عروسی در جمع زنان می نشینند، چون خود را باطنا زن می دانند.

اصطلاح ترانس سکسول یا ترانس سکشوال، اولین بار در سال ۱۹۳۰ در کشور آلمان متداول شد و اولین عمل تغییر جنسیت هم در آنجا صورت گرفت. اینار وگنر (Einar wegner) به دکتر مراجعه کرد و حاضر شد عمل تغییر جنسیت روی او اجرا شود تا علاج یابد. و بعد از عمل هم اسم لیلی البی (Lily Elbe) را برای خود انتخاب کرد. البته این عمل چندان موفقیتی برای او به همراه نداشت. اولین عمل موفق تغییر جنسیت در سال ۱۹۵۳ در آمریکا بر روی شخصی به نام George Jorgensen صورت گرفت که بعد از عمل، نام زنانه کریستین یورگنسن را برای خود انتخاب کرد و حتی در چند فیلم هالیوودی هم بازی کرد. این عمل مورد توجه خبرگزاری ها و مطبوعات واقع شد و گزارشات مفصلی درباره آن و مسئله ترانس سکشوالی منتشر گردید و همین امر موضوع ترانس سکشوال ها و عمل تغییر جنسیت را سر زبان ها انداخت. اما بعد از آن باز هم تعداد زیادی از جراحان همچنان با عمل جراحی مخالفت کرده و ترانس سکشوالی را تحت عنوان یک بیماری و اختلال صرفا روانی که هیچگونه پایه و اساس بیولوژیکی ندارد توضیح می دادند، تا اینکه پزشکی بنام هاری بنیامین به مطالعه جدی و عمیق، و سپس معالجه و جراحی افراد ترانس سکشوال روی آورد. مجموع بررسی

ها و مطالعات هاری بنیامین در کتابی به نام «پدیده ترانس سکشوال» (Transsexual Phenomenon) منتشر و به تغییرات گسترده ای به نفع ترانس سکشوال ها منجر گردید. در حال حاضر انجمنی که کارهای هاری بنیامین را دنبال و چارچوب ها و دستورالعمل های پزشکی برای عمل تغییر جنسیت برای پزشکان در سراسر جهان تهیه می کند، به این نام معروف است: Harry Benjamin International Gender Dysphoria Association

امروزه عمل تغییر جنسیت در بسیاری از کشورها انجام می گیرد، فارغ از اینکه این جوامع ترانس سکشوالی را چگونه توضیح می دهند؛ بیماری روانی، یا اختلال هورمونی - بیولوژیکی.

در ایران، بعد از حوادث سال ۱۳۵۷ و تغییر قدرت سیاسی، دو نفر از ترانس سکشوال های کشور به آقای خمینی نامه نوشته و مشکلات خود را با او مطرح کردند. آقای خمینی دستور می دهد که کسی حق ندارد مزاحم آنها شود. آن دو بعدا تغییر جنسیت دادند و بعد از مدتی عمل تغییر جنسیت هم در کشور قانونی شد. در سال های اخیر هم بعضی از روحانیان به این مسئله توجه کرده اند. از جمله یک روحانی که به محافظ ترانس سکشوال خود کمک کرد تا تغییر جنسیت دهد و بعدا آن دو با هم ازدواج کردند.

درک و فهم علت اینکه چرا فرد ترانس سکشوال می شود، هر چند ممکن است مرهمی بر زخم او باشد، اما واقعیت این است که رنج و فشار اجتماعی - فرهنگی همچنان او را عذاب می دهد. طوری که خیلی ها بعد از عمل تغییر جنسیت هم نمی توانند تاریخ زندگی خود و مسیری که طی کرده اند را به دوستان و اطرافیان خود بازگو کنند. به همین دلیل دوستان ترانس سکشوال باید زمزمه های مربوط به ایجاد یک انجمن حمایتی برای افراد ترانس سکشوال در کشور را جدی بگیرند و در حالی که هیچ ممانعت قانونی ندارند، بهتر است برای حمایت و پشتیبانی از همدیگر دور هم جمع شوند و گروهی برای خود تشکیل دهند. به خصوص که ترانس سکشوال ها در مقابله با افکار و پیشداوری های فرهنگی در مورد جنسیت، در طول تاریخ نشان داده اند که از استعداد بیشتری برخوردارند و قبل از آشکار شدن جنبش همجنسگرایی، با حضور علنی خود در جامعه، نقش بسیار مهمی در ایجاد گفتمان های مربوط به جنسیت ایفا می کنند، حتی اگر خود چنین قصدی نداشته باشند.

ترانس وستایت ها

ترانس وستایت ها با گروه ترانس سکشوال ها کاملا تفاوت دارند. ترانس وستایت ها کسانی هستند که بدون توجه به گرایش جنسی خود، لباس جنس مخالف را می پوشند. هر کسی با هر گرایشی ممکن است نیازی قلبی و درونی به پوشیدن لباس جنس مخالف، و خود را به شکل و شمایل جنس مقابل در آوردن داشته باشد. ترانس وستایت ها در طول تاریخ و در همه جوامع بوده و هستند، اما اولین بار در سال ۱۹۱۵ پزشک همجنسگرایی آلمانی، مگنوس هیرشفیلد، که در موضوع جنسیت هم تحقیق می کرد اصطلاح ترانس وستایت را از لغات لاتین «Trans» و «vestere» («ترانس» به معنای مقابل /طرف، و لغت «وستر» به معنای پوشش) استخراج و برای افرادی که به هر شکلی در

چارچوب هنجارهای پوششی و جنسی آن زمان نبودند مورد استفاده قرار داد. (به همان شکلی که امروز کلمه ترانس جندر برای مجموعه این ها به کار می رود.)

یک ترانس وستایت ممکن است یک مرد یا زنی باشد که از نظر گرایش جنسی کاملا دگرجنسگرا باشد و هیچ میل و رغبتی به رابطه جنسی با همجنس خود نداشته باشد، و یا ممکن است یک بایسکشوال باشد (کسی که گرایش جنسی اش به او این استعداد را می دهد که با هر دو جنس مخالف و موافق رابطه جنسی برقرار کند)، و یا ممکن است همجنسگرا باشد. به زبان ساده تر، ترانس وستایت ها در همه اقصاء جامعه و در بین همه گرایشات جنسی دیده می شوند. این را هم نباید فراموش کرد که به هیچ وجه همه همجنسگرایان ترانس وستایت نیستند (اشتباهی که خیلی ها مرتکب می شوند و فکر می کنند که هر همجنسگرایی به پوشیدن لباس جنس مخالف تمایل دارد). ترانس وستایت ها بر عکس ترانس سکشوال ها، هیچ مشکلی با آلت جنسی خود ندارند و تضادی بین ساختمان فیزیکی بدن خویش و روح و جان خود حس نمی کنند و در پی عمل جراحی و تغییر جنسیت خود نمی باشند. اگر پدیده ترانس سکشوالی را به دلیل اختلال هورمونی بدانیم، ترانس وستایت بیشتر در محدوده فتیشیسم جنسی-سکسی است که این دو مقوله کاملا با هم فرق دارند.

سال های سال پیش که همجنسگرایی در غرب ممنوع بود، بازشناسی افراد همجنسگرا که تمایلی به پوشیدن لباس جنس مخالف نداشتند مشکل بود، و آنچه اینجا و آنجا مشاهده می شد همجنسگرایان علاقه مند به پوشیدن لباس جنس مخالف (همجنسگرایان ترانس وستایت) بودند و همین باعث شد این ذهنیت در جامعه جا بیفتد که هر همجنسگرایی به پوشیدن لباس جنس مخالف تمایل دارد. چیزی که تا حدودی در مورد ایران هم صدق می کند. اما واقعیت این است که تنها بخش بسیار کوچکی از همجنسگرایان ترانس وستایت وجود دارند و تعداد مردان ترانس وستایت دگرجنسگرا خیلی بیشتر است. نکته مهم دیگر اینکه نباید هیچگاه اینگونه تلقی شود که یک همجنسگرایی ترانس وستایت حتما از نظر جنسی مفعول است، چون واقعا اینطور نیست و او مانند هر فرد دیگری، فارغ از پوشش ظاهری خود می تواند به نقش های مختلفی در رابطه جنسی تمایل داشته باشد و پردازد. از طرف دیگر، از آنجا که پوشیدن لباس مردانه یا شبیه لباس مردانه توسط زنان هر روز بیشتر جا می افتاد، این ذهنیت هم شکل گرفت که کلا پدیده ترانس وستایت در بین زنان دیده نمی شود و تنها مختص مردان است.

اگر بخواهیم به یک جمع بندی برسیم، باید بگوئیم که اگر روزی یک مرد ترانس وستایت را دیدید (مردی که لباس زنانه پوشیده) هیچوقت فکر نکنید که طرف همجنسگرا است، چراکه احتمال گی نبودن طرف خیلی بیشتر از احتمال گی بودن اوست، اما از آنجا که هنجارهای اجتماعی و فرهنگ جامعه ترانس وستایت ها را بر نمی تابد و آنها به سهم خود فشارهای روحی و روانی شدیدی را تحمل می کنند، در اغلب موارد ناچار به پنهان کاری و حفظ راز مگوی خود هستند و درست به همین دلیل بهتر از دیگران مشکلات همجنسگرایان را درک می کنند، و در فعالیت های خود برای اصلاح فرهنگ عمومی، به همکاری مشترک با گروه های همجنسگرا رو می آورند و نوعی ائتلاف تشکیلاتی هم با

آنها به وجود می آورند. البته نباید فراموش کرد که بعضی از مردان دگرجنسگرایی که به پوشیدن لباس زنانه تمایل دارند از استعمال اصطلاح ترانس وستایت برای خود ناراضی اند، چرا که به زعم آنها این اصطلاح آنها را در اذهان عمومی به شکلی به همجنسگرایان ربط می دهد. به همین دلیل اینگونه افراد اصطلاح «کروس درسر» (Cross-dresser/ Cross-dressing) را برای معرفی خود به کار می برند.

ترانس کینگ ها و ترانس کوین ها

(یا دراگ کینگ ها و دراگ کوین ها - Drag King و Drag Queen)

دراگ کینگ و دراگ کوین ها اغلب زنان و مردان همجنسگرا هستند که هیچ تمایل قلبی و درونی به پوشیدن لباس جنس مخالف ندارند، اما صرفاً برای تفریح و سرگرمی خود و دیگران در مراسم جشن ها، شوها و برنامه های مختلف لباس جنس مخالف می پوشند که اگر طرف مرد باشد به او دراگ کینگ (پادشاه) می گویند و اگر زن باشد به او دراگ کوین (ملکه) می گویند. گاهی اوقات مردانی که شوهای تلویزیونی اجرا می کنند و دگرجنسگرا هستند هم ممکن است خود را به شکل دراگ کینگ و یا دارگ کوین درآورند و این دراگ ها (با هر گرایشی) صرفاً جنبه تفریحی و سرگرمی دارند، تا اینکه از یک بار فتیشیستی برخوردار باشد.

به عنوان خاتمه بد نیست به توضیح دو اصطلاح دیگر هم بپردازیم:

Ladyboy

اگر گذارتان به تایلند افتاده باشد، حتما کلمه Kathoey را شنیده اید. تعداد افراد کاتویی در تایلند فراوان است و روزنامه ها با عکس و تفصیل درباره آنها مطلب می نویسند و حتی تیم بسکتبال آنها هم یکبار قهرمان تایلند شد. کاتویی ها معمولا پسرانی هستند که از همان سنین اولیه به استفاده از قرص ها و آمپول های حاوی هورمون های زنانه رو می آورند و پستان و شکل و شمایلی کاملا زنانه به خود می گیرند. گفته می شود که زیباترین «دختران» تایلند از بین همین پسران انتخاب می شوند. این افراد معمولا از اقشار پائینی جامعه بوده و جولانگاه عمده آنها هم محلات توریستی تایلند می باشد. در سال های اخیر کلمه جدیدی مصطلح شده که برای این افراد (کاتویی ها) به کار برده می شود و آن اصطلاح لاییدی بوی (Ladyboy) به معنای پسرخانم می باشد.

گفته می شود که یکی از دلایل عمده گسترده بودن کاتویی ها، ممنوع بودن همجنسگرایی در تایلند است. (البته سالهاست که همجنسگرایی در تایلند ممنوع نیست) و از طرف دیگر فرهنگ مدارا و تحمل و شکیبایی مردم و جامعه که جز فرهنگ مذهبی بودایی (مذهب کشور تایلند) می باشد باعث شده که این افراد مورد آزار و اذیت و فشار قرار نگیرند.

Shemale

این واژه و اصطلاح بیشتر در بازار تجارت سکس و سایت های اینترنتی مربوط به آن به کار برده می شود و بیشتر به پسران ترانس سکشوالی اطلاق می شود که هنوز عمل تغییر جنسیت انجام نداده اند، اما با مصرف قرص و داروهای هورمونی، پستان و اندامی کاملا زنانه دارند. بسیاری از این افراد جهت تهیه هزینه خرید داروهای هورمونی و عمل تغییر جنسیت وارد بازار تجارت سکس و پورنوگرافی می شوند. البته گاهی اوقات دختران ترانس سکشوال را هم شی میل می گویند، ولی خود این دختران با این واژه موافق نیستند، چرا که بیشتر موضوع تجارت سکس و پورنوگرافی را تداعی می کند.

اتحاد، همکاری و پشتیبانی همه گروه‌های به حاشیه رانده شده که در چارچوب هنجارها و رفتارهای رایج نمی‌گنجد، برای طرح موضوع جنسیت در جامعه و روشننگری در اینباره و مدرن کردن گفتار و فرهنگ اجتماعی بسیار مهم است. همجنسگرایان تنها، ترانس سکشوال‌ها و ترانس وستایت‌های بدون ارتباط با بقیه و حتی بدون شناخت درست از احساس خود در کشور زیادند. این گونه دوستان با ترس و ناامنی و خودخوری روزگار را می‌گذرانند. دست به دست هم دهیم و با معرفی ماها به افراد جدید، کمک کنیم تا تعداد هرچه بیشتری از دوستانمان از تنهایی و انزوا خارج شوند. بیایید کاری کنیم تا هیچ انسانی بخاطر گرایش جنسی خود، در کشور احساس تنهایی نکند.

ما امیدواریم با ارائه این ویژه نامه توانسته باشیم سطح دانش و اطلاعات شما دوستان را افزایش داده و در جهت روشننگری اجتماعی و درک بهتر ترانس سکشوال‌ها، قدمی هر چند کوچک برداشته باشیم.

ماها

ماها، مجله الکترونیکی همجنسگرایان ایران

برای بیان نظرات و پیشنهادات خود، و یا ارسال مطلب، عکس، نقد، و همینطور برای اشتراک «ماها»، از آدرس پستی زیر استفاده کنید:

majaleh_maha@yahoo.com